

دکتر بصیر کامجو

Dr. Basir Kamjo

می 2015 میلادی

خاستگاه واژه تاجیکان

در پهنه بزرگ جغرافیایی سیاسی ایران قدیم غیر از ایرانی ها (تاجیکان و پارسها و گُرد ها) ملیت های دیگری نیز پهلوی هم می زیسته اند .

با چیرگی تازی ها بر سرزمین ایران بزرگ و استقرار حاکمیت این قوم ، با یک برنامه ویژه سیاسی ، بی پروا و سبکرو - خانواده های ملکی تازی همپا با شمشیر داران ایشان به سرزمین حاصلخیز نیاکان ما ریختند . مدیریت سیاسی و اقتصادی و فرهنگی این " قاره تمدنی کهن " رابدست گرفتند .

هرچه اراده و آز شان خواست ، همان را انجام دادند . زبان و فرهنگ و معرفت علمی و تاریخی و دینی این قاره کهن را بی باکانه نابود نمودند . و تلاش کردند تا از ورود تبار ایرانی نژاد و میهن پرست در ساختار قدرت و حاکمیت سیاسی ، جلوگیری بعمل آورند . و سیاست و اندیشه فرهنگ عرب سازی را در همه نهاد ها و شئون زندگی اجتماعی و فرهنگی و تاریخی مردم ما با جبر و زور تحمیل نمودند .

با این نگرش و کوچانیدن جبری شهروندان بومی این سرزمین ، بجا های دلخواه حاکمان قدرت ، توانستند آگاهانه ترکیب همگون اجتماعی و اقتصادی و تاریخی همبسته ایرانی ها (تاجیکان و پارسها) را به ناهمگونی و چندگانگی اجتماعی تبدیل نمایند . و با اساسات و شیوه های اسلام ستمگستر ، مقاومت و اراده و استواری خود فرمانی ملی و خود ایستایی ملی ایرانیان را ، زمین گیر نمودند .

بر این پایه و روش سرانجام موفق گردیدند تا یک ملت همبسته ایرانی را به نام های (تاجیکان ، پارسها و گُرد ها) تقسیم و نامگذاری نمایند . در حالیکه همه این سه ملیت در هم تافته از یک ریشه و تبار ایرانی و جانشینان و علمبرداران اجداد خویش پیشدایان و کیانیان بلخ باستان و هخامنشی ها می باشند .

تاریخ شاهد آنست که مهاجمان از هر قوم و تباری که بر سرزمین " قاره کهن ایران باستان " ریختند ، همه بدون تفاوت ، دشمنانه و با شمشیر خشم و خشونت خون جاری نمودند و با نیت بد و بی پروا ، هست و بود مینویی و مادایی این میهن آزاده کیش را نابود کردند .

تازیان و دیگر مهاجمین با این سیاست و شیوه نادرست ، تا توانستند نیروی انسانی و متون تاریخی و فرهنگی و علمی و ادبی باستانی این میهن را داغان نمودند و به آب و خون و آتش کشیدند . وقوع این رویدادهای

ناگوار تاریخ دروند زیاده از یکهزار و چند سده ، چه از جانب مهاجمین عرب و چه از جانب مغل ها ، انگلیسها و روسها ...

، سبب شد که نسل بومی امروز و فردای این قاره تمدن ساز - جبراً در تاریکی فهم و آگاهی از گذشته های دور تاریخ سرزمین خویش قرار گیرند .

جای شکران است که با رشد و تکامل علم و معرفت بشری و استفاده بری از کتابخانه های برقی برون مرزی و دیگر ممکنه های پیشرفته علمی و رسانه ای ، دانشمندان میتوانند بدون مشکل از منابع علمی و تاریخی این دست استفاده بهتر بعمل آورند .

هدف از بیان مرام فوق اینست که ایرانیان (تاجیکان و پارسها) از دوران شاهنشاهی اشکانیان (247 پیش از میلاد - 224 میلادی) تا ختم دوره شاهنشاهی ساسانیان (224 - 651 میلادی) بمدت زیاده از ششصد سال و اند هفتاد بار با رومیان جنگیدند و دست آورد ها و شکست های را در تاریخ بنام خویش درج نمودند .

این همه رویداد های تاریخی فوق اکنون در منابع برون مرزی ، از موزیم ها و کتابخانه های بزرگ و معتبر جهانی : واتیکان و روم شروع تا بریتانیا و آلمان و فرانسه و آمریکا و روسیه ... بگونه خیلی گسترده پخش می باشند .

در متون تاریخی باستانی نیاکان می آموزیم که در گذشته های پیش از اسلام همه (تاجیکان و پارسها) ایرانی یاد می شدند . قراریکه در بالا یادآور شدیم با ورود پای تازی ها به سرزمین ما و جا گرفتن دیگر ملیت های غیر ایرانی در ساختار قدرت و حاکمیت ، شهروندان بومی سرزمین ایران بزرگ از جانب مهاجمین بنام های - فارسی وان ، گاهی پارس ، گاهی تاجیک یاد گردیده اند .

چون روان سخن بر سر خاستگاه واژه " تاجیک " هست . ما هم خواستیم این واژه را بر مبنای برخی منابع تاریخی باری بازبینی نمائیم . با استناد برخی از منابع که گفته اند :

در " شرفنامه منیری " (1) در مورد مراد از کلام تاجیک آمده است که [شهروندان] غیر عرب و ترک را [در سرزمین آریان یا ایران] تاجیک نامند.

"برهان قاطع" که یک واژه نامه زبان فارسی در هند نوشته شده است معنای تاجیک را نیز به مفهوم [شهروند] غیر عرب و ترک نام برده است.(2)

سعید نفیسی در معرفی مردم بخارا چنین می نویسد (3):
" در زمان رودکی [یکهزارو یکصدو پنجاه و هفت سال پیش از امروز] شهر بخارا چون دیگر شهرهای ماوراءالنهر شهری بوده است مرکب از نژاد ایرانی و شاید یکی از قدیمترین مداین باشد که نژاد ما در آن رحل اقامت افکنده بهمین جهت مردم آن شهر ... از نژاد ایرانی بوده اند و پارسی زبان ، مخصوصاً از زمانی که بخارا پایتخت سامانیان [دودمان تاجیکان] مرکز ادبیات فارسی شد و امرای آل سامان در رواج این زبان هیچ فرونگذاشتند، بخارا معروفترین مرکز زبان ما شد چنانکه هنوز پس از هزارو آند سال زبان اکثریت مردم بخارا و زبان بازار آن ، زبان پارسیست و هنوز اکثر مردم آن از نژاد ایرانیاند که امروزایشان را به اصطلاح محلی «تاجیک» می خوانند."

– تاجیک نام قبایل " داها " بوده ، پارت‌ها یا اشکانیان " دئی " ، " تاجیک" و " دجیک" خوانده می‌شدند.

– تاجیک از " تائی" است و هم‌ریشه با کلمه یونانی " تگاس" به مفهوم پیشوا و " ددیک " آمده است .

– استاد محیط طباطبائی پژوهشگر و محقق تاریخ ایران می‌فرماید:
" ایرانیان را در جنوب سرزمین پهناور ایران بزرگ به جهت تمایز از اقوام عرب ، عجم می‌نامیدند و همان قوم بزرگ ایرانی در شمال و شرق ایران زمین و به منظور تشخیص از اقوام ترک ، تاجیک نامیده می‌شد. پس تاجیک همان عجم و پارسی‌زبان است " .

– نام‌های دیگر برای مردم " تاجیک " ، فارسی ، پارسیوان یا پارسییان و دهقان (به تاجیکی:) می‌باشد.(4) دهقان در قدیم به ایرانی اصیل صاحب ملک و زمین اعم از ده نشین و شهرنشین گفته می‌شده و مقابل تازی پنداشته می‌شده که چادرنشین و بدوی بودند.(5)

– تاجیک به مفهوم آریایی و پاک و نجیب و اصیل زاده و میهمان‌نواز .
(6)

– کلمه " تاچی" یا " تائوچی" در زبان چینی به معنای ایرانی است.
(7)

– در لغت نامه انگلیسی آکسفورد " تاجیک " را " یک پارسی " خوانده یعنی کسی که نه عرب و نه ترک باشد .
بر اساس پژوهشهای خاور شناسان ، تاریخ باز شناسی واژه " تاجیک " در نیمه اول قرن نژدهم مورد توجه دانشمندان غربی قرار گرفت .

در سال 1823 میلادی ، مارتین هینریچ کلاپروت (Martin Heinrich Klaproth) آلمانی (1817 – 1843 م.) در یک مقاله اش در مورد مردم بخارا با استناد به تحقیقات ... مینویسد که:

" ... تاجیک فارسی زبان ساکن فارس (ایران امروزی) ، افغانستان ، تخارستان و ماوراءالنهر همان نام قبایل " دئی " بوده ، پارتها یا اشکانیها که " دئی " ، " تاجیک " و " دجیک " خوانده می شدند ، با این نامها یاد می گردیدند. سه شکل آوایی این نام " دئی " ، " تاجیک " و " دجیک " از نگاه آوا شناسی قابل قبول است . از این جا چنین بر می آید که پارتها خود را " تاجیک " می نامیدند . "

– به گفته میرزا شکورزاده، پژوهشگر تاجیک و نویسنده کتاب " تاجیکان در مسیر تاریخ " ، بر اساس پژوهشها مردم پارسیگوی در بسیاری از نقاط آسیای میانه ، ایران و افغانستان و کشمیر و کاشغر خود را " تاجیک " معرفی کرده اند. واژه " تاجیک " در ادبیات قدیمی فارسی زیاد کاربرد شده و کاربرد آن غالباً در تمایز از (ترک و عرب) صورت گرفته است :

مثلاً سعدی می گوید :

شاید که به پادشاه بگویند،
تُرکِ تو بریخت خون تاجیک

و یا عبدالرحمان جامی اشاره ای دارد در باره علیشیر نوایی که :

او که یک تُرک بود و من تاجیک،
هر دو داشتیم خویشی نزدیک

همین طور، وقتی که ما به متون چه نثر و چه نظم فارسی مراجعه می کنیم ، درمی یابیم که در تمامی این متنها، از روزگار سعدی (585 یا 606 – 691 هجری قمری) به دوران ما، کلمه " تاجیک " جایگزین کلمه " پارسی " و " فارسی زبان " بوده است.

نه کلمه " پارسی " یا " ایرانی " یا " فارسی زبان " بلکه محض کلمه " تاجیک کاربرد شده است." بر این اساس واژه تاجیک می تواند مترادفی برای " پارسی " باشد و تاجیک ها زیرگروهی از اقوام ایرانی تبار و اقوام ایرانی زبان هستند.

مردم تاجیک با استناد منابع معتبر قوی جهانی دارای ویژگی های انسانی و اخلاقی خاصی نیز می باشند. در منابع معتبر داخلی و بیرون مرزی در مورد ویژگیهای اخلاقی ، اجتماعی و علمی این ملت شریف ، رویکرد های فکری نغز و فراوانی تذکر رفته است ؛ گفته می شود که :

– تاجیکان مردمان عدالت پیشه ، تکامل پسند و خواستار زندگی مسالمت آمیز و خوش مشرب و راست کار و آزادی پرور می باشند. و آنان را مردمانی غیر متظاهر ، قدر شناس ، گشاده رو و آرام دانسته اند.

- کولدوین ویژگی بارز قوم تاجیک را صلح دوستی آنان دانسته است .
- به گفته مدّن دورف، این قوم توانسته است با سخت کوشی راه پیشرفت خود را طی قرون هموار کند .
- تاجیکان در تاریخ چند هزار ساله خود علما و فضلا و حکمای بسیار زیادی به جهان بشریت تقدیم نموده است .
- بقول نخبگان ؛ این ملت هرگز هویت فرهنگی و زبانی و ادبی خود را از دست نداده است .

تاجیکان شامل این گروه های اجتماعی اند (8) (9) :

- **سغدیها :**
(ساکن در وادی زرافشان و قشقدریا و پیرامون قسمت میانی سیردریا) ،
- **باختریها :**
(ساکن در حاشیه سرگه و پیرامون آمودریا تا شمال و شمال غرب افغانستان امروزی) ،
- **مرغیانیها (پارتها یا اشکانی ها) :**
(ساکن در حاشیه مرغاب و شمال و جنوب کوه کپه داغ تا ایالات مرکزی و بادغیس و غور و هرات و جنوب غرب افغانستان امروزی ، شرق و شمال شرق و جنوب شرق ایران امروزی)
- **خوارزمیها :**
(ساکن در قسمت سفلی آمودریا کشورهای امروزی ازبکستان و ترکمنستان) ،
- **فرغانیها :** (ساکن در وادی فرغانه) و
- **سکاییها :**
(ساکن در صحرای آسیای مرکزی و نواحی کوهستانی تین شان و آلائی و پامیر) و
- **کوشانیها :**
(حوزه بلخ و بدخشان ، کابل و قندهار و پنجاب)
- **طاهریها :**
(حوزه بلخ و بدخشان ، کابل و مرو و نیشابور و هرات و قندهار و سیستان)
- **صفاریها :** (حوزه سیستان ، کابل و بلخ و پشاور ، قندهار و هرات و نیشابور)

- سامانیها : (ساکن سغد ، بلخ و بدخشان هرات و در قسمت سفلی
آمودریا کشورهای امروزی ازبکستان و ترکمنستان)

غوریها : (ساکن فیروز کوه ، هرات و مشهد امروزی ، کابل ، غزنی
و سیستان و پنجاب)
در اینجا ، جا دارد که سرود همدلی ایرانیان
(تاجیکان و پارسها و کرد ها) را بخوانش گیریم (10) . :

منابع و مأخذ

- 1 - شرفنامه منیری یا فرهنگ ابراهیمی ، نویسنده : قوام فاروقی ،
تعلیقات : دکتر حکیمه دبیران ، محل نشر : تهران سال 2006 میلادی ،
ناشر : پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی .
- 2 - برهان قاطع ، نویسنده محمد حسین فرزند خلف تبریزی ، حیدر آباد
هندوستان ، نشر : در سال 1030 هجری شمسی .
- 3 - (احوال و اشعار رودکی ج 1 صص 67 - 68).نویسنده : سعید
نفیسی .
- 4 - (دانشنامه ایران، سرواژه " تاجیک ")
- 5 - (لغتنامه دهخدا، سرواژه " دهقان ")
- 6 - " تاجیک " ، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی ، 15,0 - 15,1-
15,2؛
- 7 - (<http://www.parsianjoman.ir/fa/?p=1707>) و رجوع
شود : ویکی پدیا .
- 8 - رجوع کنید به غفوروف ، ج 1، ص 571-572؛ نعمت اف ، 1997،
ص 84؛ و گدازاده ، ص 94؛
- 9 - تاریخ خلق تاجیک ، ج 2، ص 554 - 556؛ بولشایا ، ج 41، ص
464.